

فلسفۀ هستی و منشأ خلقت

جلد یک

مقابلهٔ دین، علم و فلسفه

نوشته

استاد ممنوع القلم

فصل دو

نتایج حاصل از بررسی های افزوده در مورد احتمال وجود الاه مورد ادعا

کند و کاو همه جانبه آیات ناظر بر وجود الاه

یک) قرآن همچون "راهنمای بشریت"

کند و کاو در قرآن برای تعیین احتمال وجود الله از جنبه های مختلف برای هر محققى فرصتهای باارزشی عرضه میکند. بسیاری از متعصبان دینی عادت دارند قرآن را "کتاب راهنمای بشریت" بخوانند. این ادعا اگر از جنبه های مورد نظر آنان به تمامی زیر سؤال باشد هم، از نظر دسترسى محققین و خوانندگان این کتاب به حقایق دینی یی که با انکار و سانسور تمام از دید مسلمانان دور نگه داشته شده اند، صحت پیدا میکند.

اما دسترسى به این حقایق مکنون در قرآن به این سادگیها ممکن نیست و شرط و شروطی لازم دارد. این "هدایت" به وقتی که وضو میگیری و با سلام و صلوات کتابی را که به الهی، آسمانی و مقدس بودنش ایمان داری، باز میکنی و هر آیه اش را بی هیچ بحث و ارزیابی می پذیری، و میبوسی و روی چشم میگذاری، نه تنها تحقق پیدا نمیکند، بلکه حتی همانند میلیونها و صدها میلیون مسلمانی که به هر بهانه ای قرآن خوانی میکنند، ولی هیچ نمیگیرند، تو هم با این شیوه قرائت به جای هدایت،

بیش از پیش در باطلاق تبعیت شرعی غرق میشوی. نه فقط چیز جدیدی از قرآن و آیاتش نمی گیری، بلکه با تکرار هر حرف، کلام و آیه ای که معنی و مفهومش را بدون هرگونه درک و فهم و نقد و مقایسه و ارزیابی می پذیری، بیش از پیش در دنیای وهم‌آلود جن و پری، و بهشت و جهنم گم میشوی.

برای کشف حقایق مورد بحث از قرآن، باید بتوانی از همان آغاز و حداقل در طول دقایق و ساعات مطالعه و تحقیق، خود را از دنیای تقدس و راز و رمزهای دینی برهانی. باید این کتاب را از غلاف تقدس آسمانی بودن و از سوی الله خالق نازل شدنش بیرون بکشی و در روی میز آزمایش و تحقیق قرار بدهی. باید خود را در آزمایشگاهی بیابی که ابزاری جز علم و منطق و خرد ندارد. باید بتوانی فارغ از هرگونه پیشداوری و دور از هر باورهای چهارمیخ شده در فکر و ذهن، به محتوای بدون تفسیر و تأویل این آیات، نظم و کلام دست بیابی. این حرف و حکم و آیه را با آن و آن را با این مقایسه بکنی. از نقد و ایرادگیری نهراسی. خود را از پیش فرضها و تلقینات دینی در مورد دوری گزیدن از نقد و بررسی مقدسات برهانی و در شرایط یک محقق رها از پیشداوریها قرار بدهی.

اگر چنین بکنی، اگر بتوانی چنین بکنی، در آنصورت، **ناگهان خود را در شرایط درک و فهم این کتاب و آیاتش می یابی.** ناگهان می فهمی که برای درک و فهم معانی این آیات نه احتیاجی به تفسیر، تأویل و توضیح داری و نه نیازمند دنباله روی از این یا آن مفسر، متکلم، فقیه و روحانی هستی.

ناگهان هر حرف و آیه ای به جای آنکه ترا به سجده و طلب مغفرت رهنمون شود، به پرسشهای جدیدی رهنمون میشود. به فکر کردن و جستجو کردن و امیدارد.

ناگهان معانی آیات را بدون هرگونه پیرایه و همانگونه که هستند می فهمی و درک میکنی. نفاص آیات را آنگونه که وجود دارند کشف میکنی و همانند هر محقق اندیشمند و فیلسوفی که هر دریافتی را در بوتۀ آزمایش علمی و منطقی می سنجد، نقص ها را می بینی و ثبت میکنی. خطاها را تشخیص میدهی و هر نقص و خطائی را هم زیر سؤال میبری. جرات زیر سؤال بردن مقدسات دینی را در خود می یابی.

به آسانی، تضادها و تعارضات در بین آیاتی را که کلام الله میخوانی شان کشف میکنی و این دریافتهای جدید و غیرمنتظره، تو را در شرایط اندیشیدن، سؤال کردن و توضیح دادن بیشتر و بیشتر قرار میدهد. کشف میکنی که الله خالق این جهان پیچیده، منظم و منطقی، بر خلاف انتظار در آیات متعددی دچار فراموشی شده است. کشف میکنی که بسیاری از این حرفها و ادعاهای پیچیده در زورق های تقدس پر از تضاد و تعارض اند. کشف میکنی و با این اکتشافات، مبانی ایمانی ات زیر و زبر میشوند.

ناگهان در می یابی که میتوانی سؤالات جدیدتر مطرح بسازی، بدون آنکه آنها را از ترس مجازات گناهان مرتکب نشده ای که برای تحمیل شان به توده های تحت استثمار فشار می آورند، در گلو خفه سازی. سؤال میکنی، ولی وقتی از آیات نازلۀ پاسخی نمیگیری، پی میبری که پاسخ سؤالات بی پاسخ تو نه در کلام های معروف به آسمانی، بلکه در فکر و خرد تو نهفته است.

این تو هستی که باید پاسخ بدهی. این تویی که میتوانی بسنجی، به مقایسه بکشی، منطقی را از غیرمنطقی جدا بکنی و به کشف های جدید تر نائل بشوی.

این تو هستی که میتوانی از اینهمه، درک و فهم جدید خلق بکنی، میتوانی خرد بسازی و توان آنرا داری که به قضاوت داده ها بنشینی.

بدین ترتیب، گام به گام پیش میروی. گام به گام سؤالات جدیدی طرح میکنی و هر سؤالی را هم با خرد و منطق خود پاسخ میدهی. تضادها و تعارضات، و منطقی و غیرمنطقی را کشف میکنی و به نقد میکشی. ناگهان در می یابی که بدین وسیله این تویی که خودت را راهنمایی میکنی. این تو هستی که هدایت و راهنمایی ات را به دست گرفته ای. این تو هستی که راه می نمائی. این مغز توانا و خرد بشری توست که راهنمای تو و بشریت تو شده است.

در یک چنین شرایطی و فقط با این شرط و شروط است که تو قرآن یا هر کتاب و پیام توده گیر دینی را به راهنمای خود تبدیل میسازی. به راهنمای خود تبدیل میسازی، چرا که نه این یا هر کتاب برآمده از قعر تاریخ، بلکه این تو انسان هموسپین در حال رویش و رو به شکوفائی هستی که بر نهائی ترین شاخهٔ تکامل تاریخی روئیده ای.

این تو هستی که خرد و منطق، و هدایت را در نهان خود حمل میکنی. این تو انسان هوشمند دانش اندوخته و مسلح به منطق و خرد بشری قرن ارتباطات امروزی هستی که مشعل روشنگری را در پیشاپیش تاریخ تکامل تاریخی ات حمل میکنی.

پی میبری که مشعلی در دل داری. پی میبری که کافی است مشعل دلالت را روشن بکنی. روشنی و روشنائی را به ارمغان میگیری. آنچه باقی میماند این است که بکاوی، به درستی بکاوی و از طریق راه و روشهای درست علمی بکاوی.

علم و فلسفهٔ علمی این راه و روشها را در اختیارات قرار خواهند داد.

دو) راه و روش کند و کاو آیات قرآن

1) این بخش از کتاب به کند و کاو و بررسی افزوده آیات قرآن برای تعیین احتمال وجود الله مورد ادعا اختصاص یافته است. این کند و کاو اما، از همان آغاز نشان داده که موضوعاتی از قرآن که ناظر بر احتمال بود و نبود الله اند، نه به یکی و دو تا محدود میشوند و نه به این سادگیها میشود با گزینش موردی از موارد، از بقیه موضوعات چشم پوشید. این است که با وجود پافشاری تمام برای خلاصه گوئی و خلاصه نویسی، این بررسیها به یکی و دو، و حتی به چند مورد و موضوع خلاصه نشده و آیات و ادعاهای عدیده ای را در موضوعات مختلف ناظر بر ادعای وجود الاله به عنوان "منشأ هستی و خلقت" در بر میگیرند.

لازم به تکرار است که در این بحثها، دلائل فراوانی با اتکاء به مقابله و مقایسه آیات مختلف قرآن مطرح شده اند. این آیات مورد مراجعه و متون فارسی ترجمه شده آنها، مستقیماً از قرآن برداشت شده و به همان معنی و مفهومی اند که در آیات الاله نازل کننده این آیات آمده است. بدین معنی، در نقل این معانی هیچگونه تعبیر، تأویل یا تفسیر نویسندۀ دخالت داده نشده، و آنچه آمده به طور مستقیم از قرآن، آنها از قرآن های ترجمه شده به وسیله مترجمان پذیرفته شده در این کشور اسلامی، برداشت و نقل شده اند. همچنین برای ممانعت از هرگونه سوء تعبیر، متون عربی و اصلی آیات نیز در زیرنویس قید شده اند.

باید اضافه کرد که به طور منطقی، هرگونه تفسیر، تعبیر و تأویل آیات قرآن با یا بدون دخالت دادن احادیثی که خود به طور ماهوی

ساختگی اند²²⁰، امری ساختگی و به معنی رد صحت قرآن و اعتبار الاله نازل کننده این آیات است. مفسران قرآن مدعی اند که با این کار شان کلام الله را ساده و قابل فهم و درک مردم میکنند. این اما، اعتراف و اقدام صریحی است مبنی بر اینکه گویا این آیات روشن و صریح، و قابل درک و فهم توده ها نیستند. این در حالی است که الله مورد ادعا در آیات آسمانی اش به کرات یادآوری کرده که این آیات را ساده و قابل فهم توده های زمان نزول در مکه و حومه نازل کرده است (آیه 97 سوره مریم، آیه 17، 22، 32 و 40 سوره القمر، آیات 1 و 2 سوره هود و سایر)²²¹. از این رو، ادعای ساده و قابل فهم کردن آیات به معنی رد آیات فراوان الاله قرآن در مورد ساده، روشن و قابل درک و فهم بودن این آیات است.

الله خالق مورد ادعای قران در آیات فراوانی نه تنها به "صریح، ساده، آسان و قابل فهم و درک" بودن آیات خود اشاره کرده، بلکه همچنین مدعی است که وی این آیات را در حد و حدود درک و فهم توده های عرب جامعه بدوی مکه و حومه 1400 سال پیش فرستاده است (آیه 92 سوره انعام، آیه 7 سوره شوری و سایر). بر این اساس، کسی که اعتقاد دارد به اینکه قرآن و آیاتش از سوی الله خالق نازل شده، و الله خالق نازل کننده هم راستگو و قابل اعتماد است، نمیتواند علیه این ادعاهای تکراری الله اش بلند شده و کلام وی را نیازمند تفسیر و تعبیر بیابد، یا مثلاً برای ساده و قابل درک و فهم کردن آیات کتاب آسمانی بی که به بیان آیات الاله خالق ساده و قابل درک و فهم خلق شده اند، به خودش اجازه دخالت، و تفسیر و توضیح بدهد. بر این اساس،

220 ر. ک. به کتاب "توضیح المسائل" نوشته محقق ایرانی پروفسور شجاع الدین شفا، نشر فرزاد، اسپانیا؛ و همچنین به جلد اول کتاب "قرائت قرآن غیردینی"، پیشین.
221 برای اطلاعات بیشتر ر. ک. به جلد دوم کتاب "قرائت قرآن غیردینی"، پیشین.

- حداقل کسانی که به الهی و آسمانی بودن آیات قرآن باور دارند، ناگزیر باید این آیات را همانگونه که هستند و به همان صورتی که معنی میدهند یا نمی دهند، و درک و فهم می شوند یا نمی شوند، بپذیرند.

در این راستاست که این نویسنده برای دور ایستادن از هرگونه شبهه دخالت در کلام الله مورد ادعا و وارد نشدن به بحثهای ضد و نقیض و به نرخ روز مفسران و متکلمان ریز و درشت دیروزی و امروزی، از هرگونه مراجعه به هرگونه تعبیر، تأویل و تفسیر دور ایستاده، و نتایج را مستقیماً از معانی فارسی آیات قرآن و مقایسه محتوای آنها استخراج و نقل کرده است. آیات مورد بحث را بدون آنکه تفسیر و تعبیر بشوند، به همان معنی و محتوایی که به عنوان "کلام الله" شناخته میشوند، با همدیگر و همچنین با دستاوردهای علمی و فلسفی مقابله و مقایسه کرده و هر موردی را نیز با رعایت حداکثر خلاصه گوئی توضیح داده است. این است که اگر آیه ای هم بدون معنی یا با معانی متعارض و غیر منطقی نقل شده است، این خطا یا مغایرت و تعارض از آن الهی است که طبق ادعا آنرا به همان صورتش خلق و نازل کرده است.²²²

باید یادآوری کرد که کتاب قرآن از 114 سوره و بیش از 6200 آیه تشکیل شده است. این آیات اما، بدون هرگونه طبقه بندی موضوعی یا منطقی در سوره های مختلف پخش شده و در رابطه با همدیگر،

²²² پیشین

مجموعه‌هایی را به وجود می‌آورند که در بسیاری موارد در تضاد و تعارض با همدیگر قرار می‌گیرند.

البته این شکل کتابت آیات مشکلاتی را برای درک و فهم موضوعات مختلف به وجود آورده است، این اما، بر خلاف مدافعات نادرست برخی متکلمان و متعصبان اسلامی، به معنی آن نیست که این مشکلات و تضاد و تعارضات موجود ناشی از شکل کتابت اند. به طور مثال در جلد دوم کتاب "قرائت قرآن غیر دینی" مورد بحث، تعدادی از قصص قرآن بر اساس هر دو "ترتیب کتابت" و "ترتیب نزولی" مورد مقایسه قرار گرفته و نتیجه حاصل این شده که این مسائل، همان اندازه که در ترتیب کتابت، در ترتیب نزولی آیات هم ظاهر میشوند. بدین معنی مسائل موجود در قرآن، نه ناشی از شکل کتابت آیات، بلکه امری ماهوی آیات نازله است.

قسمتی از مسائل و تعارضات موجود آیات ناشی از آنست که کتاب قرآن، نه همچون هر مطلب نوشتاری اندیشیده شده، بلکه به صورت مجموعه‌ای از گفتارهای شفاهی فی البداهه ناشی از ضرورت‌های لحظه‌ای زمان خود نگارش یافته است. برای نمونه، دیدیم که مطالب کتاب عهد عتیق، که مرجع و منبع بسیاری از موضوعات و آیات قرآن را تشکیل میدهند، از جایی شروع کرده و بر اساس تقدم زمانی یا موضوعی به جایی ختم شده اند. از همانرو، هم مطالب تکراری این کتابها در مقام مقایسه با قرآن محدودتر، و هم تعارضات و دوگانگی و چندگانگی هایشان تا حدی تحت کنترل اند.

قرآن اما، هیچکدام از این مشخصات نوشتاری را ندارد. کتابی است که:
- نه نظم زمانی، نه نظم مکانی و نه نظم موضوعی دارد²²³.

²²³ در مورد نواقصات ساختاری قرآن و آیات نازله ر. ک. به جلد اول "قرائت قرآن غیردینی"، پیشن.

نه فقط آیات ناظر بر موضوعات معین و یکسان را در زمانهای مختلف به نگارش در آورده، بلکه همچنین این آیات به همان سبب دچار اختلافات، اشتباهات و تعارضات چشمگیری شده است²²⁴.

این اختلافات، دوگانگیها و تعارضات به قدری زیاد اند که اسلامیان و شریعت سازان اسلامی هم مجبور شده اند بالاخره به وجود آنها اعتراف بکنند و ناگزیر تعداد فراوانی از این آیات را تحت عنوان "آیات ناسخ و منسوخ"، یعنی آیاتی که مغایر و متعارض با همدیگراند، طبقه بندی بکنند.

البته قبل از آنهم، الاله نازل کننده قرآن با نزول آیاتی اعتراف کرده که برخی از آیات کتابش "محکمت" (به معنی قابل اعتماد و درک و فهم، و بی نیاز از حدس و گمان و بحث و تفسیر)، ولی برخی دیگر "متشابهات" (به معنی فاقد معنی، غیر قابل اعتماد، نیازمند حدس و گمان، و مغایر بقیه) اند²²⁵.

سه) مشکلات ناشی از مسائل عدیده در قرآن

مشکلات نظم و نثر قرآن اما، فقط در این حد و حدود خلاصه نمیشوند. مشکل دیگر این است که اینهمه آیاتی که به طور ماهوی دچار مسأله، سهو، خطا و تعارض اند، در سوره های مربوط و نامربوط پخش شده و هر کدام نیز حرفی میزنند که با حرف و بیان بقیه متفاوت و مغایر اند. مشکل این است که یک چنین مجموعه ای از اینهمه آیات متعارض و متشابه در کتابی گرد آمده و همراه با هم به عنوان "کلام الله"، جنبه غیر قابل سهو و خطا، یا تخییر و اصلاح به خود گرفته است.

²²⁴ پیشین

²²⁵ ر. ک. به "تفسیر نمونه" مکارم شیرازی، جلد 2، ص 321، پیشین.

این همه مسائل و تعارض و چنگدگانی در بین آیات قرآن، بررسی افزوده آیات ناظر بر ادعای وجود الله خالق را به حد کافی مشکل و طولانی میکنند. این چگونگی ها همچنین، هم به تعداد موضوعات مورد بحث می افزایند و هم باعث گستردگی و توسعه دامنه این بحثها میشوند. بدین ترتیب، نواقص ساختاری قرآن، نه فقط حجم بررسی بود و نبود الله مورد ادعا را از حد و حدودی که در نظر گرفته شده بود، فراتر بردند، بلکه حتی تا به جایی بر حجم صفحات این بخش افزودند که از ظرفیت یک کتاب هم فراتر رفت.

بدین ترتیب، پیش بینی اولیه نویسنده مبنی بر اینکه میتوان تا حد ممکن به تعداد کمی از موضوعات بسیار مهم و تعیین کننده در مورد ارزیابی بود و نبود الله مورد ادعا اکتفا کرد نیز ناممکن شد.

پیش بینی اولیه این بود که میتوان نمونه هائی از آیات ناظر بر توصیف، توضیح و همچنین خصوصیات و تصمیمات الله مورد ادعا را مورد بحث و بررسی قرار داد، و نتیجه را به سایر آیات این کتاب بسط داد، اما در عمل معلوم شد که این نواقص و تعارضات نه فقط دسته بندی و نمونه برداری آیات را ناممکن می سازند، بلکه همچنین بررسی رابطه آیات متعارض و متناقض با همدیگر را نیز به ضرورت این تحقیق تبدیل میسازند.

علل گزینش کتاب جدید "فلسفه وجود الاله" به عنوان مرجع بررسیهای افزوده در مورد احتمال وجود الاله خالق مورد ادعا

درست در زمانی که نویسنده این سطور برای پیشبرد "بررسی افزوده وجود الاله مورد ادعا"، خود را در برابر اینهمه مسائل و مشکلات ساختاری و اینهمه آیات و داده های متعارض و مختلف می یافت، کتاب "فلسفه وجود الاله" منتشر شد. این کتاب از جنبه های مختلف جوابگوی بسیاری از سؤالاتی بود که "بررسی های افزوده تر در قرآن" مطرح ساخته بودند.

مطالعه و بررسی های بیشتر در این کتاب تازه منتشر شده نشان داد که این کتاب نیز بر اساس همان پرنسیپ ها و اسلوبهایی نگارش یافته که کتاب حاضر دنبال کرده و میکند. این کتاب نیز، نه فقط مبنا را بر ارزیابی علمی و منطقی قرآن قرار داده است، بلکه همچنین این ارزیابی را با پیشداوری در مورد ردّ وجود الاله خالق مورد ادعا پیش نبرده است. این کتاب نیز، در راه جستجوی حقیقت به موضوع بود و نبود الاله مورد ادعا رسیده و پاسخ به سؤالات ناشی از این ادعا را لازمه پیشبرد تحقیق خود تشخیص داده است. راه و روش تحقیقاتی این کتاب نیز به موازات متدهای برگزیده کتاب حاضر پیش رفته است و در پشت سر آن نیز کار و تلاش تحقیقاتی طولانی و مسئولانه ای قرار دارد.

در ضمن، بررسی عمیق تر این کتاب نشان میدهد که این کتاب نیز سعی کرده به داده های ساده و اولیه قناعت نکند و هر نتیجه ای را تا حد ممکن به عمق ببرد. با آنکه تک تک بررسیها و بحثهای این کتاب نیز، بر نامحتمل بودن وجود الاله مورد ادعا تأکید کرده و مهر تأیید زده اند،

اما با این وجود، این کتاب نیز به نتایج آغازین بررسی‌هایش قانع نشده و گذاشته تا سؤال بود و نبود ال‌اه خالق مورد ادعا از جنبه‌ها و از طریق آیات مختلف مطرح بشوند و در مقایسه با همدیگر مورد بررسی قرار بگیرند. این کتاب نیز گذاشته تا راه بحث‌های فلسفی در مورد تک تک مقولات مورد بحث، باز نگه‌داشته شود و نتایج حاصله فقط پس از تعمیق این بررسی‌ها در جدول نتیجه‌گیری نهائی به ثبت برسد.

با آنکه هر کدام از این موارد و نتایج به تنهائی برای اظهار نظر در مورد نامحتمل بودن ادعای وجود الله خالق کفایت می‌کرده، ولی این کتاب در این مورد نیز به چند مورد و نتیجه‌گیری مشابه و تکراری اکتفا نکرده و گذاشته تا بررسی‌های بیشتر در موضوعات و مقولات مربوطه را ادامه یابد. گذاشته تا کند و کاو در مقولات و موضوعات مربوطه در زمینه‌های مختلف مطرح شده در قرآن تا نیل به نتایج منطقی پیش برود. گذاشته تا هر نتیجه‌اولیه نه فقط با خود، بلکه همچنین با دستاوردهای علمی و ارزیابی‌های فلسفی و منطقی دیگر مقابله و مقایسه شود. این همان کاری است که ما نیز در رابطه با نتیجه‌گیری پیشین از نظر ناممکن بودن وجود خالق که از مخلوقات خود بی اطلاع است، انجام دادیم.

در ضمن، مطالعه این کتاب جدید نشان می‌دهد که تحقیق در این موارد نیز با همان مسائل و مشکلاتی که در صفحات پیش قید شده، رو به رو بوده، به طوری که نویسنده این کتاب نیز به ناچار برای پیشبرد کار تحقیقاتی‌اش، در هر گام جدید برای باز کردن گره‌های این مشکلات، وقت و انرژی صرف کرده است. وی نیز تأیید می‌کند که با وجود این مشکلات ساختاری در قرآن، مجبور شده موارد و موضوعات فراوانی

را مورد بحث قرار بدهد، و این نیز بر حجم بحث های این بخش از کتاب افزوده است.

این ویژگیهای مشترک، هم از این نظر که این کتاب نیز بر متدهای علمی و منطقی مشابهی بنا شده، و هم نقل نتایج آن از نظر علمی و منطقی قابل توجیه است، باعث شد تا این نویسنده تصمیم گرفت تا خلاصه ای از نتایج و دستاوردهای این کتاب جدید را به عنوان نتایج "بررسی های افزوده تر در آیات قرآن" نقل بکند.

فراموش نکنیم که اساساً توسعه دانش و دانائی، و پیشرفت علم و منطق امری عام و محصول کار و تلاش همگان است. علم و دانش محصول کار و تلاش نسلهای فراوان از انسانهای محقق، دانشجو و دانش پژوه فراوانی است و از همان رو نیز، هر کار تحقیقاتی، نه به معنی آغاز کردن بررسی و مطالعه مورد و موضوع مورد بحث از نقطه صفر، بلکه به معنی ساختن و پرداختن دستاوردهای جدید بر روی دستاوردهای علمی پیشینیان، یا برداشتن قدم های جدید در راهی طولانی و بی پایانی است که قبل از این از سوی انسانهای محقق و جستجوگر به وجود آمده و طی شده است. کار تحقیق به معنی "هر که آمد عمارتی نو ساخت و رفت منزل به دیگری پرداختن" است. به معنی گام برداشتن در پلکان بلندی است که دیگران قبل از من و تو تا این مرحله اش را ساخته و پرداخته اند.

بدین ترتیب، بر اساس این گزینش های مشابه در زیر خلاصه بسیار فشرده ای از نتایج حاصله در مورد احتمال وجود الیه مورد ادعا را از کتاب مورد بحث نقل میکند. این نتایج اما، به خاطر محدودیت های کتاب حاضر، صرفاً به طور فهرست وار نقل میشوند. به طوری که نه سببها، علل و چرایی این نتیجه گیریها توضیح داده میشوند و نه عناوین سوره ها و متون آیات مورد مراجعه و استناد معرفی میشوند. یک چنین نقل قول خلاصه و ساده البته که هیچ مشکلی ایجاد نمیکند و از اعتبار آنها نمی کاهد، چرا که خوانندگان علاقمند می توانند همه این موارد قید نشده را در این کتابی که به عنوان مبنا و مأخذ این نتیجه گیریها انتخاب شده مورد مطالعه و بررسی قرار بدهند و در امور و موضوعات مورد علاقه شان اطلاعات بیشتری کسب کرده، و همچنین آیات و دلایل ناشی شده از آنها را مطالعه بکنند.

این است که در فصل بعدی این کتاب فقط به ذکر خلاصه ای از نتایج حاصله در مورد و موضوع ادعای وجود الیه خالق اکتفا میکند و توضیح نتایج حاصله و علل آنها را به کتاب مأخذ مورد بحث مراجعه میدهد²²⁶.

مطالعه عمیق تر این کتاب نشان میدهد که در این اینجا نیز نویسنده این سطور گام به گام به آدرسهای مختلف قرآن در مورد ادعای وجود الله خالق سر زده، سؤال کرده، پاسخ گرفته، مقایسه کرده و به بحث کشیده است. با این وجود، وی نیز هر بار نیز به این نتیجه دست یافته که از

²²⁶ ر. ک. به کتاب "فلسفه وجود الیه"، پیشین.

زاویه دستاوردهای علمی و منطق و خرد فلسفی، ادعای وجود الاهی خالق مورد ادعای قرآن:

- نه قابل اثبات و، نه قابل دفاع علمی و منطقی است.
به بیان دیگر، نه میتوان احتمال وجود الله مورد ادعای قرآن را اثبات کرد، و نه میتوان دلایلی را که این ادعا را مردود می‌شمارند، به طور منطقی و علمی رد کرد.

دیدیم که بررسیهای انجام یافته در این کتاب، هیچ مرز و محدودیتی برای ادامه تحقیقات در مورد و موضوع مورد بحث قائل نشده است. با این وجود، مطالعه کتاب مذکور نشان میدهد که این تحقیقت افزوده در قرآن، در سراسر این مسیر طولانی بحث و بررسی، و در هر گام جدید از تحقیقات انجام یافته در قرآن این نتیجه منجر شده که :

- احتمال وجود الاهی مورد ادعا با خصوصیات و مشخصاتی که در قرآن قید شده به تمامی منتفی، و به بیان دیگر، به این سببها و دلایل که در زیر قید میشوند،
- وجود الاهی قرآن به طور علمی و منطقی به تمامی ناممکن و ممتنع است.

با این یادآوری، در زیر به طور اختصار به مواردی چند از این نتیجه گیریهای ناشی از "بررسی افزوده تر در قرآن" در کتاب مورد بحث "فلسفه وجود الاهی" اشاره میکند.

نتایج حاصله به نقل از کتاب "فلسفه وجود الاله"

در زیر مواردی چند از نتایج به دست آمده مورد بحث از کتاب مورد بحث "فلسفه وجود الاله" را نقل میکند. این نتایج البته بسیار خلاصه اند و از همین رو، نه توضیحات لازم در مورد ماهیت بحثها، دلائل عنوان شده و نه نام و عنوان آیات مورد مراجعه را در بر دارند. در بر ندارند، چرا که با نقل این توضیحات، یکبار دیگر کتاب پر حجم دیگری فراهم میشود. نقل یک چنین بحث پر حجمی اما، نه در این نتیجه گیری پایانی می‌گنجید، و نه جایی برای ادامه بحثهای اساسی در مورد "فلسفه هستی و منشأ خلقت" باز می‌گذاشت. از این رو، نویسنده به اجبار این نتایج را به طور بسیار خلاصه نقل میکند و علاقمندان به توضیحات بیشتر و آگاهیهای افزوده تر از گم و کیف این بررسیها، دلائل، نتیجه گیریها و همچنین آیات مربوطه را به کتاب مورد بحث فوق الذکر "فلسفه وجود الاله" مراجعه میدهد.

اضافه میکند که بررسی این کتاب نشان میدهد که همگی این بررسی های انجام شده در قرآن، همان نتایجی را به دست داده و به ثبت میرسانند که قبلاً از طریق بررسی های فصول پیشین این کتاب به دست آمده اند. در حقیقت، این نتایج از نظر ماهوی جز تأیید و تأکید همان نتیجه گیری اولیه در مورد "عدم احتمال وجود الاله مورد ادعائی که از مخلوقات خود اطلاعات درستی ندارد"، نیستند.

لازم به یادآوری است که نتایج زیر از فصول مختلف کتاب "فلسفه وجود الاله خالق" برداشت و نقل شده است. اما هر کدام از فصول این کتاب موارد متعددی از آیات قرآن را مورد بررسی قرار داده و نه فقط از یک طریق و یکباره، بلکه به تعداد فراوانی به همان نتیجه ای که در اینجا قید

شده رسیده است. هم از این رو، نتیجه ای که در زیر از هر فصل از کتاب موصوف داده میشود، نتایج متعددی در همان فصل را نمایندگی میکند. بدین معنی، تعداد دلائل ارائه شده در کتاب موصوف بسیار بیشتر از 7-8 موردی است که در زیر قید شده است.

لازم به یادآوری است که:

اولاً یک دلیل علمی و منطقی در مورد عدم وجود هر شیئی و هستی کفایت میکند و تا زمانی که این دلیل و نتیجه گیری از آن دارای اعتبار علمی و فلسفی است، نیازی به ارائه دلائل جدید و بیشتری برای عدم وجود آن نیست.

دوماً این اصل در زمانی که موضوع عدم وجود الاه خالق که طبق ادعا از هر نظر مطلق و غیرقابل خطا و اشتباه است، مطرح است، به طور مطلق تری صدق میکند.

سوماً همانگونه که قبلاً توضیح داده شده، نتایج جدید هرچه میخواهند باشند، نتیجه فصول پیشین این کتاب در مورد "عدم احتمال وجود الاه خالق که اطلاعات درستی از مخلوقات مورد ادعایش ندارد" تا زمانی که با استفاده از همان راه و روش علمی رده نشده، کماکان به اعتبار خود باقی است.

از این رو، نه دلائل علمی و منطقی و نه نتیجه حاصل از آن نیازی به تأیید دارند. به همین سبب نقل نتایج بررسیهای افزوده تر مورد احتمال بود و نبود الاه خالق، نه برای تأیید بیشتر نتیجه معتبر موجود، بلکه بیشتر برای تعمیق این نتیجه گیری در افکار عمومی انجام میگردد.

نتایج فصل به فصل در مورد عدم احتمال وجود ال‌اه خالق مورد ادعا

*نتیجه فصل یکی²²⁷

همه بررسی‌ها و آیات مورد مراجعه کتاب "فلسفه وجود ال‌اه" نیز بر آنند و به طور مکرر نشان می‌دهند که ال‌اه قرآن هیچ اطلاعی از این هستی‌هایی که مدعی خلقتشان شده ندارد. نشان می‌دهند که ال‌اه خالق مورد ادعا نه تنها هیچ اطلاعی از خلقت و مخلوقات مورد ادعای خود ندارد، بلکه حتی آن اطلاعاتی را هم که در کتاب آسمانی‌اش عرضه کرده، از اساس نادرست و فاقد صحت علمی و منطقی، و حتی مغایر عینیاتی‌اند که امروزه معمولی و جزو اطلاعات عمومی ارزیابی می‌شوند.

اطلاعات وی از زمین، آسمان و انسان نه فقط فاقد صحت‌اند، بلکه وی حتی به موارد و موضوعاتی اشاره می‌کند که حتی در فیلم‌های کارتونی بچه‌ها هم نقل نمی‌شوند. زمین مخلوق وی نه فقط راست و بشقابی، و کهکشانهای مخلوق وی نه فقط جز چراغهایی برای روشنایی شبها نیستند، بلکه وی حتی ادعا می‌کند که خورشید مخلوق وی هر روزه از شرق این زمین بشقابی در می‌آید، بالای آنرا تا سوی دیگرش طی می‌کند و وقتی هم به پایان این گردش روزانه رسید، (لاجرم برای شستشو) وارد دریای شوری می‌شود. چرا شور، کسی نمیداند.

²²⁷ برای اطلاعات بیشتر ر. ک. به کتاب "فلسفه وجود ال‌اه"، پیشین

انسان مخلوق وی نیز از نطفهٔ مردانه ای حاصل میشود که نه در جایی از لگن خاصره، بلکه به بیان آیات نازله اش در جایی از سینهٔ پدران، آنجا که سینه ریز تزئینی قرار میگیرد، تولید می شود (سوره الطارق، آیه 5-7).

از این موارد بهت انگیز در کتاب آسمانی این الاه آسمانی مورد ادعا فراوان است. وی اما، با وجود چنین اطلاعات نادرست و به نحو باورنکردی غیر واقعی و غیر عقلانی، ادعا میکند که خالق زمین، آسمان و انسان است. بدیهی است که به طور منطقی و عقلانی، هیچ خالق، نه میتواند از مخلوقات خود اینهمه بی اطلاع باشد و نه میتواند موجوداتی را که اصلاً و اساساً نمیشناسد خلق کرده باشد. بر این اساس هم هست که این نتیجه از نو و به تکرار حاصل میشود که:

✓ الاه مورد ادعا، مخلوقات مورد ادعای خود را هیچ نمی شناسد و از همان رو نیز احتمال وجودش، همانند احتمال ناممکن هر مدعی بی که از کم و کیف صنایع مورد ادعایش بی خبر است، به کلی ناممکن و منتفی است.

*نتیجهٔ فصل دو*²²⁸

الله قرآن، از سوئی خود را خالق یکتای همهٔ هستیها معرفی میکند، ولی از سوی دیگر، آیاتی را که در رابطه با هویت، جنس، موجودیت، و هستی خود نازل کرده، به قدری با همدیگر متعارض اند که صحت این ادعا را ناممکن میسازد. سؤال که چگونه الهی که با اندام و رفتار هایش

²²⁸ برای اطلاعات بیشتر ر. ک. به کتاب "فلسفهٔ وجود الاه"، پیشین.

شبهه انسان، ولی با دانش و دانائی اش پائین تر از حد و اندازه دانش انسانهای دانش آموخته امروزی، میتواند خالق جهانی چنین شگرف و قانونمندی باشد؟

او همچنین در آیاتی تنها هستی موجود است، ولی در آیات دیگری هم هستی و هم خالق هستی است. در آیاتی در همه هستیهای موجود وجود دارد، در حالی که در آیات دیگری، همانند هر انسانی، آنهم انسانهای سرقبیله زمان نزول، دور از همه بر تختی در قصر (عرش) آسمانی اش می نشیند و از آن بالا بالاها به جهان و هستی حکم میراند. همچنین او در آیاتی خود را خالق، ناهمانند و متفاوت با هر موجود و هستی دیگر معرفی میکند، ولی در آیات دیگری از نشستن خود در تخت حکومتی اش، خلقت انسان با دستهایش، دیدن جهان با چشمانش، ملاقات بندگانش و سوار شدن بر دوش بردگانش و مانند اینها سخن به میان می آورد.

در ضمن، الاه مورد ادعا از نظر تعریف و توضیح مادی یا غیرمادی خود نیز دچار تضاد و تعارض است. او در آیاتی خود را خالق رها از ماتریا و خصوصیات ماده، ولی در آیات دیگری از ماهیت نور میخواند و در مورد زمان و مکان کاخ و محل سکونت و حکمرانی اش آیه نازل میکند. میدانیم که نور هستی بی مادی است، و مکان (فضا) و زمان از خصوصیات عام ماده است.

الاه خالق مورد ادعا در آیاتی ادعا میکند که از رگ گردن به انسان نزدیک تر است، در حالی که در آیات دیگری خود را ساکن قصری معرفی میکند که تابع مکان و زمان است.

او در آیاتی ادعا میکند که هرچه را بخواهد، در همان آن خلق میشود، در حالی که در آیات دیگری نشان میدهد که نه فقط خلقت خواسته هایش نیازمند زمان است (مثل زمان خلقت آسمان، زمین و انسان به شرحی که گذشت)، بلکه حتی در موارد عدیده ای خواسته هایش به درستی تحقق نیافته یا اصلاً تحقق نمی یابند. اینهمه نشان میدهد که بر خلاف ادعاهای دیگر در این کتاب آسمانی، نظم خلقتی که الله مدعی خلقت مطرح میکند با اینهمه ناموفقیت‌های تکراری اش به تمامی معیوب و زیر سؤال است. این نظم نقل شده در قرآن اما، با نظم جهان قانونمند موجود به تمامی مغایر است. این نیز دلیلی از دلالتی است که نشان میدهد که چنین الاهی نمیتواند خالق جهانی چنین منظم و قانونمند باشد.

وجود این همه آیات متعارض الاله مورد ادعا در مورد ذات و هستی اش، نه فقط صحت همدیگر، بلکه همچنین صحت ادعاکننده ای را که حتی از نظر معرفی خود دچار بحران دوگانگی است ناممکن ساخته و مردود میسازد.

از این موارد قابل بحث در مورد ذات و هویت الاله خالق مورد ادعا در قرآن فراوان اند و همه به تکرار صحت وجود الاهی با یک چنین هویت، خصوصیات و ویژگیها را زیر سؤال میبرند.

*نتیجه فصل سه²²⁹

الله قرآن در آیاتی خود را رحمان، رحیم و هدایت کننده معرفی کرده و خلقت انسان را برای دادن خلافت زمین به وی معرفی میکند، ولی در آیات دیگری در همان کتاب آسمانی، خود را ظالم، زورگو، نیرنگ زن قهار و حتی منحرف کننده می نامد و حتی این همه را دلیل حقانیت و صحت وجود خودش معرفی میکند.

این همه از الاله قرآن موجود دوگانه ای میسازد که یک رخس معرف خالقی رحمن و رحیم، ولی رخ دیگرش، معرف موجودی ضدبشری یی است که نه برای خلقت، بلکه برای نابودی خلقت و مخلوقات خود میکوشد.

به طور منطقی، یک چنین خالق دو رویه و دوگانه نمیتواند جهان یکدستی به این نظم، منطق و پیچیدگی را خلق کرده باشد.

*نتیجه فصل چهار²³⁰

الله خالق از سوئی ادعا میکند که همه موجودات جهان را در حیطه کنترل خود دارد. به بیان آیه اش، "حتی یک برگ هم به زمین نمی افتد مگر آنکه الله میداند و به افتادنش اجازه میدهد". با این وجود، آیات دیگری از همان کتاب نشان میدهند که الله مدعی خلقت در موارد متعددی روی مخلوقاتش کنترل ندارد. داستان ابلیس که الاله به عنوان بهترین خدمتگزارش از آتش خلق کرده، فقط یکی از نمونه های عدم

²²⁹ ر.ک. پیشین.

²³⁰ ر.ک. پیشین.

موفقیت خلقت و همچنین عدم کنترل الاه مدعی خلقت بر روی مخلوقات مورد ادعایش است. وی در مورد دیگری انسان را برای دعاگوئی به خود خلق میکند، ولی این موجود محبوب الاهی هم بر خلاف خواسته خالقش به راه دیگری میرود. جن و فرشته خلق میکند تا او را پپرستند، ولی آنها از جاسوسی خانه اش هم دست برنمیدارند. او نه فقط با آیات آسمانی اش اعتراف میکند که مخلوقاتش موافق میل اش خلق نشده اند و او در موارد متعددی نمیتواند بر روی مخلوقاتش کنترل کافی اعمال بکند، بلکه حتی همانند هر سلطان و سرقیله دوره نزول برای جلوگیری از تجاوز برخی از مخلوقات غیرقابل کنترل به قصر آسمانی اش، راهی جز گماردن نگهبان بیشتر و اقدامات امنیتی شدیدتر نمی یابد.

جالب آنکه وی حتی نمیتواند تیرهای بهتری برای نگهبانانش تدارک ببیند و بدینوسیله با تکنولوژی پیشرفته تری جلو تعرض دیگران! به خانه مسکونی اش را بگیرد.

داستان خلقت شش یا هشت روزه نمونه بارزی است بر اینکه ادعای الاه قرآن در مورد "هر چیزی را که بخواهد در همان آن خلق میکند"، در عمل تحقق نمی یابد. داستان ابلیس، انسان و اجنه ای که آن نمیکند که خدا برای انجامشان خلق شان کرده، نشان می دهد که ادعای آیه هائی به شرح "خدا هرچه را بخواهد می آفریند"، یا "خدا بر هر کاری تواناست (نمونه: سوره نور، آیه 25) در عمل صحت پیدا نمیکند.

بدین ترتیب الاهی که بر خلاف ادعایش نمیتواند هرچه را همانگونه که میخواهد خلق بکند، یا الهی که روی گردش جهان و مخلوق خود کنترل درستی ندارد، نمیتواند این جهان و هستی را خلق کرده باشد و با این نظم برگزیده اداره بکند.

الله قرآن از سوئی آیه نازل میکند که نشانه الهی بودن آیاتش نبودن خطا در آنهاست (سوره النساء، آیه 82)، ولی از سوی دیگر معلوم میشود که تعداد آیاتی که بدون هرگونه معنی و مفهوم اند، یا در تضاد و تعارض با آیات دیگر قرار دارند، نه تنها یکی دو تا، بلکه بسیار پرشمار اند. در واقع، انواع و اقسام خطاهای موجود در قرآن، این کتاب آسمانی را به کتابی پر از تضاد و تعارض تبدیل کرده است. از این رو، صحت "کلام الله" موجود در قرآن حتی بر اساس خود آیه این کتاب و الاهش، رد میشود.

قرآن با آیاتی، بخشی از آیاتش را متشابهات (به معنی بی معنی، قابل تفسیر، نامعلوم و غیرقابل اعتماد) (سوره الزمر، آیه 23)، ولی با آیات دیگری، تمامی آیاتش را محکمت (به معنی روشن، قابل اعتماد، بدیهی و معلوم) (سوره هود، آیات 2-1) میخواند. سؤال فقط این نیست که کدامیک از این حرفهای الله صحت دارد، بلکه همچنین این است که اگر آیات محکماتی که بدون خطا و اشتباه اند از آن الله خالق اند، پس باید آندیگری هائی را که به ادعای خودش صحت ندارند به حساب چه کسی گذاشت؟

سؤال که با این وجود، چگونه آیاتی در همین قرآن آسمانی ادعا میکنند که تمامی قرآن از آن الله است، او غیرقابل خطا و اشتباه است، و کتابش را هم از هرگونه دخالت و تصرف محافظه میکند؟

²³¹ ر. ک. پیشین.

سؤال این است که اگر این آیاتی هم که صحت ندارند از آن الله اند، وی بر چه اساسی خود را غیرقابل خطا معرفی میکند، اما اگر این آیات به وی تعلق ندارند، پس ادعای محافظت قرآن چگونه قابل توضیح است؟ پاسخ هرچه میخواید باشد، نتیجه جز این نیست که با این تعارضات و فقدان صحت در این همه آیه و آیات، نه میتوان به صحت بقیه قرآن و نه به ادعاهای وجود الله خالق مورد ادعای آن باور کرد.

نتیجه فصل شش 232

الله در آیه هائی خود را رها از مکان (فضا) و زمان معرفی میکند، ولی در آیات دیگرش، ادعاهای قبلی اش در مورد دسترسی اش به همه جا و همه کس را به فراموشی می سپارد و اظهار میکند که از کاخ و تخت حکومتی خود در طبقه هفتم آسمان، زمین و جهان را اداره میکند. برای اداره هر کاری فرشته یا فرشتگانی را مأمور میکند و سپس بر اساس گزارشات فرشتگانش حکم صادر میکند.

جالب است که فرشتگان مأمور وی فاصله کاخ الله به زمین و از زمین به کاخ الله را در آیه ای در 1000 سال و در آیه دیگری در 50000 سال طی میکنند. با این حساب، این سؤالات پیش می آیند که:

1- چگونه میتوان به کمک و دخالت الهی امید بست که تا این اندازه دور و غیر قابل دسترس است و امور بندگانش را بر اساس گزارشات فرشتگانش که رفت و آمد و گزارش دادنشان هزاران سال طول میکشد راست و ریس میکند؟

232 ر. ک. پیشین.

2- چگونه الله دوگانه و فراموشکاری که حتی ارقام ناظر بر فاصله زمانی به خانه اش را هم مخلوط کرده و بالا و پائین میگوید، میتواند خالق جهانی به این نظم و پیچیدگی باشد؟

3- با وجود اینهمه تضاد و تعارض در کلام الله و آیات معروف به "ناسخ و منسوخ" که دیگر مورد تأیید شریعتسازانش هم هست، از کجا میتوان فهمید که کدامیک از حرفهای متعارض الله مدعی خلقت، حرف مورد نظر وی است و باید پذیرفت، یا نیست و باید ردش کرد؟ و بالاخره،

4- چگونه میتوان به ادعاهای الله خالق که اینهمه حرفهایش بالا و پائین، و حتی ناسخ و منسوخ و بی اعتبار اند، باور کرد و ایمان آورد؟

نتیجه فصل هفت 233

الله خالق از سوئی تمامی داستان خلقتش را بر امتحان این جهانی بندگانش قرار میدهد، ولی از طرف دیگر، نشان میدهد که قبل از آنکه نتیجه این امتحان معلوم شود، شکنجه گاهی به ابعاد همه جهان ساخته و به آن نیز قول داده که اجاقش را با انسانها پر خواهد کرد.

این همه اما، تمامی این کمدی الهی را بیان نمیکند، چرا که آیات دیگر همین الاله نشان میدهند که همه این ادعاها حرفهای توخالی است، چرا که:

اولاً وی اصلاً و اساساً با این ادعا که از اعمال آتی هر کس اطلاع دارد، هیچ نیازی به امتحان کردن ندارد، به خصوص که حتی اگر معلوم شود

233 ر. ک. پیشین.

که گناه خطاکاری مخلوقاتش نه به عهده آنان، بلکه به گردن خود خالق است که آنان را خطاکار خلق کرده است.

در ثانی، حتی اگر از نفس عدم ضرورت امتحان کردنش هم صرفنظر شود، معلوم میشود که وی بر خلاف ادعایش با این کارهایش هیچ عدالتی را قسمت نمیکند. او در حرف خود را عادل میخواند، ولی در عمل تابع هیچ عدالتی نیست و آیه هایش در مورد اینکه جبار، انتقامگیر و حقه باز است، بیشتر صحت پیدا میکنند. برای نمونه در این رابطه:

- آیاتی نشان میدهند که الله نه فقط شرایط مساوی برای این امتحان خلق نکرده، بلکه حتی خودش هر کسی را خواست به راه راست میبرد، نخواست نمیبرد. به غیر از این، حتی چشم و گوش بقیه را هم می بندد تا نبینند و نشنوند، و در نتیجه، گمراه شده و به راه کج بروند. "که چی بشود؟"

- که بدون آنکه کاری کرده و گناهی مرتکب شده باشند، به اتهام دروغین گناهکاری، تا ابد در شکنجه گاهش اسیر آمده و درد بکشند.

نتیجه فصل هشت²³⁴

الله قرآن از سوئی مدعی خلقت این جهان پیچیده و در عین حال قانونمند و منطقی است، ولی از سوی دیگر، هم در کلام و ادعاهایش، و هم در احکام، کارها و تصمیماتش به شدت غیرمنطقی است. او به عنوان خالق انسان، هیچ دلسوزی بی برای مخلوقات خود قائل نیست. در موردی، "به خاطر دستمالی شهری را به آتش میکشد" و مثلاً طبق آیاتی به انتقام

²³⁴ ر. ک. پیشین.

ذبح شتری همهٔ قبیله و تمامی زنان، بچه‌ها، پیران و هرچه انسان بیگناه است را هم به آتش انتقام چند مجرم میسوزاند.

بر اساس آیاتی، در موردی دیگر، تمامی اعضاء قبیله، از آن جمله، بچه‌ها، انسانهای علیل، مریض و سالخورده را نیز به خاطر جرم عده ای از هم قبیله ای هایشان به سیل ویرانگر می سپارد.

بنا به آیاتی هم در موردی، برای گرفتن انتقام از مخالفان اش، همهٔ بچه‌های بیگناه یک شهر و کشور را دچار بیماریهای واگیردار و ناعلاج میکند.

او به قدری نسبت به مخلوقات مورد ادعایش بی قلب است که طبق آیات دیگری، در موردی حتی باغهای میوهٔ تعدادی باغبان زحمتکش را به صرف آنکه در برنامه ریزی برداشت محصولاتشان نام وی را نبرده اند، در شب قبل از برداشت محصول شان میسوزاند و خاکستر میکند.

آیات و قصه های الاله در قرآن، همه بر چنین مظالم و بیعدالتی های نوع قبیله ای و همچنین خشم غیرقابل کنترل این الاه خالق به مخلوقات مورد ادعایش دلالت میکنند. آیا موجودی چنین فاقد منطق و غیرقانونمند که تصمیماتش همه لحظه ای، احساساتی و ظالمانه اند و بر هیچ منطق و دلیلی بنا نمی شوند، میتواند این جهان قانونمند و منطقی را خلق کرده و اداره بکند؟

جمع‌بندی داده‌ها

این موارد، نه همه، بلکه فقط نمونه‌هایی از نتایج به دست آمده از بررسی‌های بیشتر و عمیق‌تر در کتاب آسمانی و نازل شده از سوی ال‌اه مورد ادعاست. اینها نه همه نقیصه‌ها، خطاها و تعارضات موجود در بین آیات قرآن را بیان میکنند، و نه همه موضوعات مورد بحث و نتایج حاصله‌شان در کتاب موصوف "فلسفه وجود ال‌اه" را در بر میگیرند. با این وجود، این موارد و نتایج را به خاطر محدودیت حوصله و ظرفیت این بخش از کتاب حاضر کافی و وافی به منظور تشخیص میدهد و علاقمندان به این و سایر و آیات مورد بررسی را به مطالعه کتاب مورد بحث "فلسفه وجود ال‌اه خالق" فرامیخواند.

می‌بینیم که، اینهمه نقص، تضاد و تعارض، چه در کلام یا معنی و مفهوم آیات، این حقیقت را به عریانی تمام نشان میدهند که بر خلاف این ادعا که گویا ال‌اه با دم خود انسان را به شکل خود خلق کرده، این انسان زمان نزول است که خدا، ال‌اه یا الله خالق را به شکل خود، آنهم به شکل انسان زمان و مکان تاریخی دوره نزول ساخته و پرداخته است. در حقیقت این انسان زمان نزول است که در قرآن آمده، و در جاها و آیه‌هایی به صورت ال‌اه خالق و در جائی و آیه‌هایی هم به صورت بنده مورد تصور آنزمان معرفی شده است.

هرچه هست، این همه نقائص، دوگانگی و تضاد و تعارض، هر انسان صاحب عقل و منطق را به تکرار در برابر سؤالات تعیین‌کننده‌ای در مورد احتمال وجود یک چنین خالق چندگانه‌ای قرار میدهد و این پرسش تکراری را مطرح میسازد که:

✓ آیا میتوان وجود خالق را پذیرفت که از مخلوقات خود بی اطلاع است یا اطلاعاتی را که از مخلوقات مورد ادعایش ارائه میدهد، به طور آشکار، نادرست و غیرواقعی اند؟

✓ آیا میتوان وجود الهی را پذیرفت که از سوئی خود را دانا و حکیم مطلق معرفی میکند، ولی از سوی دیگر، هرچه بیان کرده، جز برداشت نه چندان درست از علوم قدیمه و نادرست زمان نزول نبوده و نیست؟

✓ آیا میتوان به "الله حکیمی" ایمان آورد که بسیاری از حرفها و نوشته هایش دچار تعارض و تضاد اند، و هر از گاهی آیه ای می آورد که مغایر با آیه و آیات پیشین اش است؟ الهی که یا شدیداً فراموشکار یا حتی دچار اختلال حواس است؟

✓ آیا میتوان وجود اله خالق را پذیرفت که هم در حرف و بیان، و هم در احکام و تصمیماتش با مشکل فقدان منطق و عدالت رو به روست؟

✓ آیا میتوان ادعای وجود "الله عادل" را پذیرفت که از طرفی برای سنجش صحت اعمال مخلوقاتش امتحان ترتیب میدهد، ولی از طرف دیگر در برابر رستگاری آنان سنگ می اندازد. چشم و گوششان را می بندد تا نبینند، نشنوند و هدایت نشوند؟

✓ آیا میتوان به "الله رحمن و رحیمی" ایمان آورد که خود را جبار و انتقامجو و حتی بالاترین مگار میخواند؟ الهی که در قصص

انتقامجویی هایش، تر را هم به آتش خشک میسوزاند. عدالتش به مثال "گنه کرد در بلخ آهنگری - به شوشتر زدند گردن مسگری!"، نه از روی رحم و رحمت است و نه با منطق و عدالت همخوانی دارد؟

می بینیم که سؤالات فراوانی در مورد نقائص، تعارضات و خطاهای علمی و منطقی قرآن و آیات الله مورد ادعا مطرح میشوند و هر پاسخی به هر کدام از این سؤالات جز به این نتیجه گیری منطقی ختم نمیشود که:

✓ احتمال وجود یک چنین موجودی با این ویژگیهای متعارض به کلی ناممکن و ممتنع است، کجا مانده که منظور از آن، الهی باشد که مدعی خلقت جهانی به این عظمت، به این نظم، و به این پیچیدگی و قانونمندی است.

کتاب "فلسفه وجود الاله" با ارائه این و اینگونه دلایل و نتیجه گیریهای که همه بدون دخالت دادن هرگونه تفسیر و تعبیر، و به طور مستقیم از آیات قرآن نقل شده اند، چنین می افزاید:

"- از هر زاویه ای و از طریق هر آیه ای به مورد و موضوع بود و نبود الله مورد معرفی قرآن بنگریم و هر کدام از این موارد را ملاک قرار بدهیم، لاجرم این نتیجه حاصل میشود که وجود چنین موجود خالق،

- نه با عقل و منطق بشری ما سازگاری دارد و،
- نه میتواند این جهان منطقی، قانونمند و با نظم سنجیده را به وجود آورده باشد.

بر این اساس، نتیجه اینهمه بررسیها و کند و کاوها افزوده و همه جانبه در قرآن، همه همانند هم و همه نیز با این یک جمله قابل خلاصه شدن است:

✓ هیچ احتمالی برای وجود یک چنین خالق با شرایط و خصوصیات مندرج در قرآن وجود ندارد.

به بیان دیگر،

✓ وجود الله مورد معرفی قرآن، با مشخصاتی که توضیح داده شده،

- نه ممکن و،

- نه محتمل است."